دزد حرفه‌ای به همدستانش قرص توهم‌زا می‌داد!

■ آرمین بینا

سارق حرفه‌ای به همدستان آماتورش قرص توهم‌زا می‌داد و آنها را برای سرقت با خود همراه می‌کرد.

چند روز قبل ساکنان ساختمان مسکونی در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران با شنیدن فریادهای مردی که مدام فریاد می‌زد آی دزد از خانه‌هایشان سراسیمه بیرون آمدند.

اهالی ساختمان در پارکینگ آپارتمان مشاهده کردند یکی از همسایه‌ها با دو پسر جوان درگیر شده‌است و درخواست کمک می‌کند. بدین ترتیب آنها به کمک همسایه‌شان رفتند و موفق شدند یکی از افراد درگیرشده را بازداشت کنند، اما همدست او موفق به فرار شد.

با اعلام این خبر، به سرعت تیمی از مأموران پلیس راهی محل شدند و پسر دستگیرشده را به عنوان سارق همراه شاکی به اداره پلیس منتقل کردند.

شاکی به مأموران گفت: «لحظاتی قبل از خانه‌ام بیرون آمدم و به پارکینگ رفتم تا با خودرویم به محل کارم بروم. وقتی وارد پارکینگ شدم، دیدم دو پسر جوان در حال باز کردن در خودروی پژو ۴۰۵ من هستند و قصد دارند خودرویم را سرقت کنند. همان لحظه شروع به داد و فریاد کردم و دو پسر جوان هم با من درگیر شدند. وقتی همسایه‌ها رسیدند یکی از آنها مرا هل داد و من زمین خوردم و به سرعت از روی دیوار به داخل کوچه پرید و فرار کرد، اما همدستش در دام ما گرفتار شد.»

متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای ویژه سرقت منتقل شد و مقابل قاضی شریفی بازپرس شعبه سوم به جرم خود اقرار و ادعا کرد از سوی سارق حرفه‌ای به نام کامبیز فریب خورده‌است. پس از اعتراف متهم بررسی‌های مأموران نشان داد کامبیز سارق سابقه‌داری است که قبل از این چند بار دستگیر و روانه زندان و مدتی قبل هم آزاد شده‌است. بدین ترتیب همزمان با انتقال متهم برای تحقیقات بیشتر به پلیس آگاهی مأموران در تلاشند تا سارق سابقه‌دار را بازداشت کنند.

قرص‌های شادی‌آور

شاهرخ پسر جوانی است که هیچ سابقه‌ای در پرونده‌اش ثبت نشده‌است و به گفته خودش اولین‌بار بوده که همراه سارق سابقه‌داری به سرقت رفته‌است. او می‌گوید کامبیز به او قرص شادی‌آور داده و در توهم آن قرص برای سرقت همراه او شده‌است.

شاهرخ سابقه داری؟

نه من هیچ سابقه‌ای ندارم و اولین‌بار بود که به سرقت رفتم و دستگیر شدم.

چه شد که تصمیم گرفتی سرقت کنی؟

من سارق نیستم و فریب کامبیز را خوردم. آنقدر بی‌تجربه هستم که در همان سرقت اول بازداشت شدم، اما کامبیز موفق به فرار شد. البته من فکر نمی‌کردم کامبیز مرا برای سرقت برده‌است.

چرا؟

واقعیتش او به من قرص‌های شادی‌آور می‌داد و من هم می‌خوردم و سرحال و شاد بودم. وقتی می‌خوردم توهم می‌گرفتم و او هر کاری را به من دستور می‌داد، قبول می‌کردم و به عواقب آن فکر نمی‌کردم. روز حادثه هم او اول قرص شادی‌آور به من داد و وقتی خوردم گفت همراه او به ساختمانی برویم. گفت می‌خواهم خودروی دوستم را بردارم و با هم به تفریح برویم. وقتی به ساختمان رسیدیم، از روی دیوار پرید و در را باز کرد و من هم وارد پارکینگ شدم. آنقدر توهم داشتم که متوجه نشدم او قصد سرقت دارد. به هر حال دو نفری در حال باز کردن در خودرویی بودیم که صاحب آن سر رسید و شروع به داد و فریاد کرد. کامبیز از من خواست با او درگیر شویم و ما هم درگیر شدیم، اما او خودش فرار کرد و من گرفتار شدم.

چطور با کامبیز آشنا شدی؟

مدتی قبل در پارکی با او آشنا شدم. او به من قول داد مرا به میهمانی شبانه‌ای ببرد و گفت در آن میهمانی قرص شادی‌آور مصرف می‌کنند و از من خواست آن قرص را امتحان کنم و من هم خوردم و وقتی توهم گرفتم، مرا برای سرقت به آن ساختمان برد.

چطوری به او اعتماد کردی؟

واقعیتش تعدادی از دوستانم او را می‌شناختند و او قبلاً هم به آنها قرص شادی‌آور داده‌بود. الان متوجه شدم او به همه قرص شادی‌آور می‌داده و همراه آنها به سرقت می‌رفته‌است.

خواب پدر با کشف جسد پسرش تعبیر شد

■ غلامرضا مسکنی

مردی که ۱۸ ماه قبل گم‌شدن پسر جوانش را به پلیس خبر داده‌بود، چند روز قبل مدعی شد پسرش به خوابش آمده و گفته‌است جسدش در یک چاه عمیق رها شده‌است. مأموران پلیس هم راهی آدرس اعلامی شدند و جسد را در عمق چاه ۱۰۰ متری کشف کردند.

اوایل دی ماه سال گذشته مرد افغانی در تهران به اداره پلیس رفت و اعلام کرد پسر ۲۲ ساله‌اش به نام بصیر به صورت ناگهانی گم شده‌است.

وی در توضیح ماجرا گفت: «مدتی قبل همراه پسرم بصیر برای کار به ایران آمدیم و در تهران شروع به کارگری کردیم. او مدتی بود در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در منطقه یافت‌آباد در جنوب تهران کار می‌کرد و هر روز صبح از خانه بیرون می‌آمد و به محل کارش می‌رفت و شب دوباره به خانه بر می‌گشت. دو روز قبل از خانه بیرون رفت و دیگر به خانه برنگشت. نگرانش شدم و به محل کارش رفتم، اما نگهبان ساختمان که منصور نام دارد و هموطن ما است به من گفت امروز بصیر به محل کارش نیامده‌است. پس از این برای پیدا کردن پسرم جست‌وجو کردم، اما هیچ ردی از او پیدا نکردم و الان احتمال می‌دهم برای او اتفاق بدی رخ داده‌باشد و درخواست کمک دارم.»

■ **آغاز تحقیقات**

با شکایت مرد افغان تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی به دستور قاضی غلامحسین صادق‌زاده، بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای پیدا کردن ردی از پسر گمشده تحقیقات خود را آغاز کردند. مأموران پلیس در نخستین گام به سراغ کارگران محل کار بصیر رفتند و از آنها تحقیق کردند. کارگران ساختمان نیمه‌کاره مدعی شدند روز حادثه بصیر را ندیده‌اند و از سرنوشت او هم خبری ندارند. از سوی دیگر منصور نگهبان ساختمان در حال ساخت هم ادعا کرد روز حادثه بصیر به محل کارش نیامده‌است و الان هم خبری از او ندارد.

■ **اختلاف ۵۰ میلیون تومانی**

پس از این مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند، اما هیچ ردی از پسر گمشده پیدا نکردند تا اینکه دریافتند بصیر با نگهبان ساختمان در حال ساخت اختلاف ۵۰ میلیون تومانی داشته‌است.

بررسی‌های مأموران نشان داد بصیر و پدرش به صورت غیرقانونی به ایران آمده‌اند و منصور واسطه آنها و فرد قاچاق‌بر بوده‌است. آنها قرار بوده وقتی به ایران رسیدند، ۵۰ میلیون تومان به عنوان دستمزد به منصور پرداخت کنند، اما به او پولی نداده و به همین دلیل با هم اختلاف پیدا کرده‌اند.

همچنین مشخص شد آنها چند باری با هم درگیر شده‌اند و روز حادثه هم بصیر صبح زود به محل کارش رفته و با نگهبان مشاجره لفظی داشته‌است.

با به دست آمدن این اطلاعات مأموران دوباره راهی محل کار پسر گمشده شدند و دریافتند منصور پس از حادثه محل کارش را ترک کرده و به مکان نامعلومی رفته‌است. از سوی دیگر نگهبان تازه‌کار ساختمان هم اعلام کرد منصور و بصیر با هم اختلاف داشتند و روز حادثه آنها را با هم دیده‌است.

■ **سیم‌کارت**

بدین ترتیب منصور به عنوان مظنون حادثه تحت تعقیب قرار گرفت و بررسی‌ها حکایت از آن داشت وی به افغانستان رفته‌است. مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند و مدتی قبل با خبر شدند متهم به ایران بازگشته و در ساختمان در حال ساخت دیگری مشغول به کار شده‌است. مأموران خیلی زود محل کار وی را شناسایی و متهم را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. منصور در بازجویی‌ها مدعی شد از سرنوشت پسر گمشده بی‌خبر است. وی در ادعایی گفت: «من با بصیر دوست بودم، اما مدتی قبل با هم اختلاف مالی پیدا کردیم. ما چند باری با هم مشاجره داشتیم، اما من از او خبری ندارم و در جریان گم‌شدنش هم نیستم.»

در حالی که متهم ادعای بی‌گناهی می‌کرد، مأموران پلیس در بررسی‌های فنی متوجه شدند سیم‌کارت تلفن همراه پسر گمشده از سوی مردی ایرانی به نام احسان مسدود شده‌است، بنابراین احسان به اداره پلیس احضار شد و وی هم گفت: «من دوست افغانی به نام کریم دارم و مدتی قبل او سیم‌کارتی از من به صورت امانت گرفت و چند روز قبل هم سیم‌کارت مرا تحویل داد و گفت می‌خواهد به افغانستان برود و سیم‌کارت را لازم ندارد. من هم سیم‌کارت را سوزاندم و الان خبری از کریم ندارم.»

■ **عمو و برادرزاده**

بررسی‌ها نشان داد کریم عموی منصور است و پس از حادثه هم به افغانستان رفته‌است و بدین ترتیب دومین متهم نیز تحت تعقیب قرار گرفت تا اینکه وی چندی قبل به ایران بازگشت و از سوی مأموران پلیس دستگیر شد. وی هم در بازجویی‌ها مثل برادرزاده‌اش ادعای بی‌گناهی کرد. متهم گفت: «وقتی بصیر به ایران آمد از من خواست سیم‌کارتی برای او تهیه کنم و من هم از دوستم سیم‌کارتی گرفتم و تحویل او دادم تا اینکه تصمیم گرفتم به افغانستان برگردم. به همین دلیل به سراغ او رفتم و سیم‌کارتم را پس گرفتم و بعد هم تحویل صاحب آن دادم و الان از پسر گمشده بی‌خبرم.»

■ **خواب پدر**

در حالی که دو متهم ادعای بی‌گناهی می‌کردند، چند روز قبل پدر بصیر به اداره پلیس رفت و گفت چند شبی است خواب پسرش را می‌بیند که داخل چاهی گرفتار شده و درخواست کمک می‌کند.

وی گفت: «چند شب قبل خواب پسرم را دیدم و او به من گفت داخل چاهی گرفتار شده‌ام و به کمک من بیا و مرا از ته چاه بیرون بکش. من خیلی به خوابم توجه نکردم و احتمال دادم چون همیشه در فکر پسرم هستم، او را در رؤیا دیده‌ام تا اینکه این خواب دو بار دیگر هم تکرار شد و آخرین بار پسرم آدرس چاه را هم به من داد و گفت در چاه عمیقی در ساختمان محل کارش افتاده‌است و الان احتمال می‌دهم منصور پسرم را به قتل رسانده و جسد او را داخل چاه انداخته‌است.»

■ **کشف جسد**

با ادعای مرد میانسال، بازپرس جنایی دستور داد مأموران به محل کار پسر گمشده بروند و دوباره دست به تحقیق بزنند. بدین ترتیب مأموران صبح روز پنج‌شنبه هفدهم اسفند راهی ساختمان نیمه‌کاره شدند و پس از بررسی‌های میدانی چاه عمیقی را داخل ساختمان پیدا کردند که روی آن پوشانده شده‌بود. با یافتن چاه، مأموران با کمک امدادگران آتش‌نشانی به عمق چاه ۱۰۰ متری رفتند و در ته‌چاه با اسکلت انسانی روبه‌رو شدند. همچنین آتش‌نشانان لباس، کفش و دستگاه تلفن همراهی را هم در ته چاه کشف کردند. پس از انتقال اسکلت انسان و لباس‌ها و تلفن همراه به بیرون، پدر بصیر لباس‌ها، کفش و تلفن همراه پسرش را شناسایی کرد. سپس جسد به دستور بازپرس پرونده برای شناسایی هویت و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد.

در چنین شرایطی که همه دلایل و مدارک حکایت از آن داشت بصیر به دست منصور و عمویش به قتل رسیده و جسدش را داخل چاه انداخته‌اند، دو متهم برای بازجویی صبح دیروز به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شدند. دو متهم در تحقیقات همان ادعای قبلی را تکرار و اعلام بی‌گناهی کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

طرح مبارزه با قاچاق کالا از مبادی رسمی عملیاتی شد

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از اجرای طرح پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا از مبادی رسمی خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار حسین رحیمی با اشاره به اینکه پلیس امنیت اقتصادی با رصد دقیق مسائل و موضوعات اقتصادی کشور با اقتدار با مجرمان و مفسدان اقتصادی که برای کسب سودهای باد آورده به دنبال اقدامات مجرمانه خود (قاچاق کالا و...) هستند، مقابله خواهد کرد، عنوان داشت: طرح پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا از مبادی رسمی با اولویت کالای مرجوعی با استفاده از ظرفیت رده‌های انتظامی در ۱۳ استان دارای پلیس گمرک به مدت پنج روز به مرحله اجرا درآمد. وی افزود: دراجرای این طرح انواع و اقسام کالای اساسی قاچاق به ارزش تقریبی ۲۱۹ میلیارد تومان کشف شد. رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا با اشاره به توقیف ۱۱۲ دستگاه کامیون حامل کالای قاچاق خاطر نشان کرد: در این طرح ۱۲۱ نفر دستگیر و تحویل مرجع قضایی شدند. سردار رحیمی عنوان داشت: در اجرای این طرح استان‌های گیلان، آذربایجان غربی و هرمزگان به ترتیب بیشترین درصد کشفیات را به خود اختصاص داده‌اند. رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا با تأکید بر اینکه مجرمان اقتصادی با اقدامات مجرمانه خود معیشت مردم و اقتصاد کشور را با چالش مواجه می‌سازند، خاطر نشان کرد: به منظور مقابله همه‌جانبه با مجرمان اقتصادی هموطنان گرامی می‌توانند اخبار و اطلاعات خود در خصوص قاچاق کالا وارز، قاچاق سوخت، قاچاق کالای اساسی و احتکار را با سامانه ستاد خبری پلیس امنیت اقتصادی با شماره ۰۹۶۳۰۰ در میان بگذارند.

سرقت شبانه با خودروی پدر

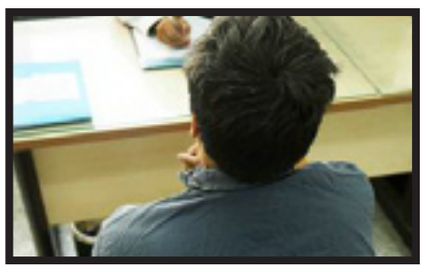

دزد شب‌رو که با خودروی سواری پدرش به سرقت می‌رفت، در جریان تحقیقات پلیس تهران بازداشت شد.

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابه درباره سرقت محتویات خودرو در شرق تهران به پلیس گزارش شد. بررسی‌های مأموران پایگاه چهارم پلیس آگاهی حکایت از این داشت که متهم در ساعت‌های پایانی شب مرتکب سرقت می‌شود. بررسی‌های دوربین‌های مداربسته هم نشان داد متهم پسر جوانی است که با خودروی سواری تیبا در محل حاضر می‌شود و بعد از شناسایی سوژه مورد نظرش محتویات داخل خودرو را سرقت می‌کند. بعد از آن بود که مأموران با بررسی شماره پلاک خودرو، مالک آن را که مردی میانسال بود، به اداره پلیس دعوت کردند. مرد میانسال در جریان تحقیقات گفت که مرتکب سرقت نشده‌است. او گفت از مدتی قبل پسرش با خودروی تیبا برای مسافرکشی بیرون می‌رود که مأموران پسر وی را به عنوان مظنون بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کرد. او گفت به این شیوه موفق به سرقت از ۱۰۰ خودرو شده‌است که تحقیقات بیشتر از وی جریان دارد.

کشف ۲ تن موادمخدر در فرودگاه‌های کشور

فرمانده یگان‌های انتظامی و حفاظتی فراجا از کشف بیش از دو تن موادمخدر در فرودگاه‌های کشور در ۱۱ ماه اخیر خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار رضا بنی اسدی‌فر گفت: از ابتدای امسال پلیس موفق شد امنیت بیش از ۴۰ میلیون مسافر را در قالب بیش از ۳۳۳ هزار پرواز داخلی و خارجی تأمین و رضایت مراجعه‌کنندگان را به خوبی جلب کند. وی با تأکید بر اینکه در ۱۱ ماهه امسال ۲ تن و ۲۱۷ کیلو و ۷۱۲ گرم انواع موادمخدر در فرودگاه‌های کشور کشف و ضبط شده‌است، گفت: در این ارتباط ۱۰ هزار و ۴۷۶ نفر دستگیر و با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شده‌اند. وی تصریح کرد: در این بازه زمانی ۱۶ کیلو و ۲۳۷ گرم طلا، ۱۹ کیلو و ۴۶۳ گرم شمش طلا و ۳۲۲ قطعه سکه طلای غیرمجاز از مسافران خطوط هوایی کشف گردید. سردار بنی اسدی‌فر گفت: در سال جاری و تاکنون همکاران بنده موفق به کشف تعداد ۴۹ دستگاه خودرو و موتورسیکلت سرقتی شده و با حکم مرجع قضایی تعداد ۱۱ هزار و ۷۱۷ دستگاه وسیله نقلیه را توقیف کرده‌اند.

درخواست کالابرگ با ۴۰ میلیارد پس‌انداز!

«ژان باتیست پوکلن» یا «مولیر» وقتی نمایشنامه خسیس را می‌نوشت شاید نمی‌دانست اقبال به این اثر تا قرن‌ها بعد ادامه پیدا خواهد کرد. دلیل این اقبال شاید شخصیت‌هایی مثل «هارپاگون» داستان باشد که مرز نمی‌شناسند و در هر عصر و زمانی تکرار می‌شوند. آنها طمع زیادی برای جمع کردن ثروت دارند و خساست همان خصلتی است که آنها را از دیگران متمایز می‌کند.

مثل پیرمرد سنندجی که برای پیگیری کالابرگ الکترونیک به بخش تعاون مراجعه کرده‌بود، اما بررسی‌های بعد نشان داد او در حساب بانکی‌اش ۴۰ میلیارد تومان نگهداری می‌کند. این همان «هارپاگون» وطنی است، با این تفاوت که به جای پنهان کردن اندوخته‌هایش زیر خاک، آن را در حساب‌هایی نگه می‌دارد، غافل از اینکه کارگزاران دولت با وارد کردن کد ملی از میزان آن باخبر می‌شوند.

نجات ۵ زن و کودک از میان آتش و دود

پنج زن و کودک که در حادثه آتش‌سوزی کارگاه کفاشی میان آتش و دود گرفتار شده‌بودند، با تلاش آتش‌نشانان نجات پیدا کردند.

آتش‌نشانان دو ایستگاه بعد از دریافت خبر آتش‌سوزی در شهرک احمدیه محله خلازیر در محل حاضر شدند. محمود حیدری، یکی از افسران آتش‌نشانی توضیح داد: وقتی به محل رسیدیم، مشخص شد که آتش‌سوزی در طبقه اول ساختمان چهار طبقه مسکونی اتفاق افتاده‌است. محل آتش‌سوزی با تغییر کاربری به کفاشی تغییر پیدا کرده و در آتش شعله‌ور بود که آتش‌نشانان بعد از ایمن کردن محل، تلاش برای مهار آتش و نجات افراد گرفتار را در ساختمان آغاز کردند. در حالی که آتش و دود ساختمان را فرا گرفته‌بود، مشخص شد پنج نفر از ساکنان شامل سه زن و دو کودک در محل گرفتار شده‌اند که تیمی از آتش‌نشانان خود را به آتش‌زدند و موفق شدند افراد گرفتار را خارج کنند.

قتل با کیک خامه‌ای مسموم

مرد نظافتچی با کیک خامه‌ای مسموم زوج صاحبخانه را مسموم و اموالشان را با همدستی دو نفر از دوستانش سرقت کرد تا اینکه متوجه شد زن صاحبخانه به کام مرگ رفته‌است. متهم و همدستانش بازداشت شدند.

همزمان با اعلام گزارشی از سوی مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ قرچک درباره سرقت از خانه‌ای در روستای داوودآباد، مأموران بلافاصله در محل حاضر شدند و مشخص شد سارق یا سارقان با استفاده از دارو شاکی و همسرش را بیهوش و اقدام به سرقت از منزل آنان کردند. مرد صاحبخانه پس از به هوش آمدن متوجه شد حال همسرش مساعد نیست و او را به بیمارستان رساند، اما زن جوان در آنجا فوت شد.

مأموران پلیس آگاهی پس از تحقیقات از شاکی متوجه شدند سارق با متوفی آشنا بوده و به عنوان نظافتچی به منزل آنها رفته و با دادن چند عدد کیک خامه‌ای هر دو نفر را مسموم و بیهوش و با همکاری دو همدست خود اقدام به سرقت وسایلی از قبیل یخچال، طلا، وجه نقد و گوشی موبایل به ارزش تقریبی ۵ میلیارد ریال کرده‌است.

مأموران پلیس آگاهی پس از بررسی صحنه و انجام یکسری اقدامات فنی و پلیسی و تخصصی و تحقیقات تکمیلی و پایش تصویری دوربین‌های مداربسته موفق به شناسایی مخفیگاه قاتل و و همدستانش شدند که پس از هماهنگی با مقام قضایی با انجام یک عملیات غافلگیرانه و منسجم سه سارق را دستگیر و برای تحقیقات به پلیس آگاهی شهرستان قرچک منتقل کردند. متهمان دستگیرشده پس از انجام تحقیقات تکمیلی به جرم خود از طریق بیهوش کردن طعمه و در نهایت قتل اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی و سپس با قرار مناسب روانه زندان شدند.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۵۴۵۴۸۸

مفقودی

برگ سبز خودرو دنا تیپ DENA+EF7-MT مدل ۱۴۰۲ به رنگ مشکی شماره پلاک (ایران ۲۱ - ۵۶۹ و ۲۱) به شماره موتور ۱۴۷H۰۷۶۶۹۳۴ و شماره شاسی NAAW۲۱HHFPDA۸۷۸۷۹ متعلق به خدیجه ورمزیار مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. البرز

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی
آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت

آقای الله بخش دانا فرزند خدا بخش به شماره شناسنامه ۳۹ شماره ملی ۵۹۱۹۳۸۷۹۳۹ صادره از راز و جرگلان با تسلیم در برگ استشهادیه که صحت امضاء شهود مذکور در آن در دفتر اسناد رسمی شماره ۶ شهرستان بجنورد گواهی شده است منضم به تقاضای کتبی به شماره ۵۰۲۵۲۸۴-۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ مدعی شده اند که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۳۷ فرعی از ۸ اصلی واقع در بخش پنج بجنورد به شماره ثبت ۱۲۴۷ صفحه ۲۹۲ دفتر ۴ به شماره چاپی ۴۴۵۳۱۲ به علت نامعلومی مفقود شده است درخواست صدور سند المثنی نوبت اول نموده اما طبق ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می شود تا هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰
شناسه آگهی: ۱۶۸۲۱۵۴
مهدی سیاوشی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۱ بجنورد